

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هشتاد و سوم 97/2/8

آشنایی با مذاهب فقهی اهل سنت (1)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

فکر می‌کنم در مورد تکفیر شیعه توسط وهابیت به اندازه‌ی کافی -نه- ولی در حدی که قضیه روشن شود که این‌ها چرا و چگونه شیعه را تکفیر می‌کنند مطالبی را تقدیم کردیم.

وارد بخش دوم منهج شبهات می‌شویم که عبارت از معرفی مذاهب فقهی اهل سنت است. یک مقداری باید اطلاعات کافی نسبت به مذاهب موجود اهل سنت و همچنین مذاهبی که منقرض شده‌اند داشته باشیم؛ چون سر کار اصلی ما با مبانی فکری این مذاهب است، که اصلاً الان ما با چه مذاهب فقهی و کلامی مواجه هستیم؟ مذاهب کلامی البته بیان شد. معتزله و اشاعره و ماتریدی و غیره بودند مذاهب فقهی هم این‌ها مذاهب مختلفی داشتند که غالباً منقرض شدند، الان جز چهار مذهب، دیگر مذهب رسمی دیگری این‌ها ندارند.

اولین آن‌ها مذهب حنفی است که تابع ابوحنیفه نعمان ابن ثابت متوفای 150 هجری است، بعد مالکی‌ها هستند. امام آنها مالک متوفای 179 هجری است. بعد شافعی‌ها هستند، امام آنها محمد بن ادریس شافعی متوفای سال 204 هجری است، و آخرین‌شان هم حنبله هستند، احمد ابن حنبل متوفای سال 241 هجری است.

امروزه این چهار مذهب وجود دارد، ولی در گذشته مذاهب مختلف دیگری هم وجود داشته و به علی این مذاهب منقرض شدند و رفتند، ما یک بحثی را در این جا داریم که ان شاء الله فایل آن را دوستان در کانال می گذارند، از آن استفاده بفرمایید.

دوستان آرام، آرام از تلگرام کوچ کنند و به یکی از اپلیکیشن های ایرانی منتقل شوند. ما نمی دانیم در آینده کدام یک از اپلیکیشن های ایرانی کیفیت و سرعتش بهتر می شود. البته ما به خاطر اینکه با امکانات تلگرام عادت کردیم این جا یک مقدار با مشکل مواجه می شویم؛ ولی راهی غیر از این نیست. صلاح هم نیست که همچنان از تلگرام استفاده کنیم.

در رابطه با مذهب، مذهب را ما قبلا معنا کردیم و گفتیم مراد از مذهب چیست؟ همان ذهب و یا ذهاب، رفتن و برگشتن است، یا محل رفتن است، این چیزی است لسان العرب و دیگر کتب لغت دارند.

در اصطلاح:

«الطريقة التي تستنبط بها الاحكام الشرعية العملية من ادلته التفصيلية»

همان تعریفی که ما در رابطه با فقیه و اجتهاد داریم می گوئیم کسی که ملکه ای اجتهاد دارد؛ یعنی می تواند احکام شرعی را از ادله ای تفصیلیه به دست بیاورد. این ها هم عین همین تعبیر را نسبت به بزرگان شان دارند، ابوحنیفه، مالک، شافعی و احمد ابن حنبل این ها در میان این همه علمای بزرگی که داشتند به یک درجه ای رسیدند که می توانند احکام شرعی عملیه را از ادله ای تفصیلیه به دست بیاورند.

پرسش:

آیا می توانیم در مورد این ها «مسلک» بگوئیم؟

پاسخ:

لغتاً مسلک می‌شود گفت؛ ولی در اصطلاح مسلک نمی‌شود گفت. طریقت و راه می‌شود گفت، ولی مسلک اصطلاحاً یک معنی خاصی دارد که عبارت از سیر و سلوک و غیره است، مسلک عمدتاً در بساط صوفی‌ها بیشتر استفاده می‌شود.

در هر صورت... من خیلی نمی‌خواهم این‌ها را توضیح بدهم تا بتوانیم قبل از ماه رمضان این بخش را تمام کنیم، قضیه تکفیر خیلی وقت ما را گرفت که البته ضروری هم بود.

ان شاء الله طبق نظر دوستان تصمیم بر این شد که اگر بتوانیم هر ماه یک خود آزمایی از دوستان داشته باشیم. از بحث‌هایی که می‌شود دوستانی که بتوانند خلاصه‌ی بحث را به زبان فارسی به صورت سوال و جواب در بیاورند.

این مطالب خیلی کاربردی است ما نمی‌خواهیم به دوستان منت بگذاریم، این بحث‌ها را به این شکل کسی مطرح نکرده است، این هم از فضل الهی است. ما 30 سال است که با این بحث‌ها، مناظره، گفتگو و... درگیر بودیم؛ لذا بحث‌هایی که ارائه می‌شود بحث‌های کاملاً میدانی و کاربردی روز است.

از بحث‌هایی نیست که فقط ارزش علمی داشته باشد، مثل بعضی قواعد فقهی و اصولی که در طول عمرمان یکبار هم از آن نتوانیم استفاده کنیم! این مطالب از بحث‌های روز است. منبر بخواهیم برویم به این مباحث نیاز داریم، بحث می‌خواهیم بکنیم نیاز داریم، جواب شبهه بخواهیم بدهیم نیاز داریم، مناظره بخواهیم بکنیم نیاز داریم، حتی به سوالات زن و بچه‌هایمان بخواهیم جواب بدهیم به این بحث‌ها امروز ما نیاز داریم.

امروزه در فضای مجازی این بحث‌های شبهه و هجمه - به تعبیر مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی - قتلگاه جوان‌ها شده است. اگر ما این پاسخ‌ها را نداشته باشیم قطعاً با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهیم شد.

من یک جلسه‌ای در تهران با تعدادی از پزشکان داشتم و عمدتاً هم فوق تخصص داشتند، یکی از این‌ها که از خانواده روحانی هم بود به من گفت بچه من دانشگاه می‌رود، هفته گذشته چند تا سوال از من پرسید من همین‌طوری ماندم که چه جواب بدهم! یک سری سوالاتی را این‌ها دارند در محیط دانشگاه و یا در فضای مجازی مطرح می‌کنند، ذهن این‌ها را مشغول می‌کنند و در آن‌جا هم اساتید و یا افراد دیگری که بتوانند جواب بدهند ندارند، به ما پناه می‌آورند و ما هم بلد نیستیم جواب بدهیم! بنده خدا خیلی ناراحت بود که اگر به این شکل پیش برود ما نمی‌دانیم فرزندانمان در آینده چه خواهند شد.

در هر صورت... این بحث را که مراد از مذهب چیست؟ این بحث را خود عزیزان مطالعه کنند.

بحث دوم ما بحث مذاهب منقرض شده است، این‌ها مذاهب مختلفی هستند شاید بالای 17 - 18 تا مذهب در همان صدر اسلام بودند و طرفدارانی داشتند، امام و پیشوایی داشتند.

ولی به تدریج این مذاهب منقرض شده و جز اسمی از آن‌ها باقی نمانده است. به غیر از این چهار مذهب. حالا از بین این مذاهب چرا این چهار مذهب مانده است، این هم بحثی مفصلی است.

در حقیقت این یک پشتوانه‌ی سیاسی دارد و توسط حاکم وقت در قرن ششم و هفتم اجرا شد. مخصوصاً در مصر که 13 - 14 تا مذهب بود قاضی‌ها معطل مانده بودند که چه کار بکنند!

مثلاً در یک قضیه‌ای متهمی را می‌آوردند که آقایی با فلان خانم همبستر بوده یا عقد داشته و یا خانمش بوده بعد از دو سال و سه سال که جدا شدند خانم بچه دار شده، نزد قاضی می‌آوردند و حکمش را می‌پرسیدند می‌گفت من مقلد مالک هستم که می‌گوید اقل حمل هفت سال است! تا هفت سال هم می‌تواند بچه در رحم مادر بماند! خود مالک را می‌گویند 4 سال در رحم مادرش مانده است!

از آن طرف شافعی و حنبلی خلاف این را می‌گویند قاضی‌ها مانده بودند که چه کار کنند، لذا این‌ها آمدند گفتند قاضی‌هایی که مقلد یکی از این چهار مذهب نباشند، حق قضاوت ندارند قاضی‌ها مجبور شدند مذاهب منقرض شده‌ای مانند اوزاعی و طبری و مانند این‌ها را کنار بگذارند بگویند ما تابع مذهب ابوحنیفه، مالک، شافعی و یا حنبلی هستیم.

لذا این چهار مذهب را که الان ما داریم می‌بینیم در حقیقت انتخاب مردم نبوده است. این‌طور نبوده که این چهار مذهب یک سر و گردن از دیگر مذاهب بالاتر باشند و یا یک امتیازات ویژه‌ای نسبت به دیگر مذاهب منقرض شده داشته باشند.

اولین مذهبی که منقرض شد، مذهب اوزاعی است که متوفای 157 هجری است، عرض کردیم ابوحنیفه متوفای 150 است، اوزاعی از علمای اهل سنت و امام و فقیه اهل شام است، اجماع علما بر علم، کمال، فضل و کثرت حدیث و جلالت ایشان است.

این‌ها حتی می‌گویند:

«لم یکن بالشّام احد أعلم بالسنة من الازاعی»

پرسش:

استاد! یک توضیحی بفرمایید که بین دین و مذهب فرقی است یا نه؟

پاسخ:

ببینید! دین شریعتی است که از طرف خدای عالم برای مردم ابلاغ شده است. مذهب طریقی برای فهم شریعت دین است. خیلی خلاصه و مختصرش این است.

پرسش:

در زمان پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم چه مذهبی بوده است؟

پاسخ:

اصلاً در آن زمان مذهبی نبوده است. پیامبر صلی الله علیه واله وسلم سرچشمه است، مذاهب و این روده‌های کوچک ما را می‌خواهد به سرچشمه برساند. آن زمان در عصر پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم اصلاً مذهبی مطرح نبوده است.

البته - اگر مذهب را به مصطلح جدید بگیریم - رسول اکرم صلی الله علیه واله وسلم در زمان خودش تنها مذهبی را که بیانگر شریعت است مذهب امیر المؤمنین سلام الله علیه معرفی کردند که بیش از 40 روایت دارد که حضرت می‌گوید:

«علی و شیعتہ هم الفائزون؛ علی و شیعتہ کذا...»

«والذی نفسی بیده انّ هذا (علی) و شیعتہ لهم الفائزون یوم القیامة»

فتح القدیر، شوکانی، ج 5، ص 477

اگر بنا باشد مذهب را هم ما در عصر نبوت بخواهیم معرفی بکنیم غیر از مذهب امیر المؤمنین سلام الله علیه که شیعه افتخار پیروی آن را دارد ما مذهب دیگری نداریم.

تاریخ مذاهب را هم ببینید. مخصوصاً آقای اسد حیدر کتابی در سه جلد دارد به نام الامام الصادق والمذاهب الاربعه نوشته است. کمتر کتابی من دیدم که این‌طور نسبت به پیدایش و رشد مذاهب اربعه کار کرده باشد. ایشان خیلی خوب می‌گوید هدف اصلی تأسیس دیگر مذاهب اعم از مذهب اوزاعی، ابوحنیفه و دیگران این بود که مردم را از مذهب شیعه جدا کنند این‌ها یک دکانی در برابر مذهب اهل بیت علیهم السلام تأسیس بکنند و

ادله خوبی هم برای این اقامه کرده، اخیراً هم دیدم این کتاب را در پنج شش جلد تحقیق کردند و الحق والانصاف کتاب خوبی است.

پرسش:

از علمای شیعه است؟

پاسخ:

بله اسد حیدر از علمای شیعه و لبنانی است. دوستان در ایام تعطیل اگر بتوانند این کتاب را از اول تا آخر مطالعه کنند خیلی استفاده می‌کنند. از کسانی که صاحب مذهب بوده آقای اوزاعی متوفای 157 است. نزدیک به 220 سال مردم شام و اندلس و غیره تابع مذهب آقای اوزاعی بودند، بعد سیاست‌ها تشخیص دادند که صلاح نیست چنین مذهبی باشد.

دومین مذهب منقرضه، مذهب داود ابن علی ظاهری متوفای 270 است که ذهبی دارد:

«الامام، البحر، الحافظ، العلامة، عالم الوقت»

در قسمت اندلس و غیره در قرن سوم و چهارم هجری نهایت تلاش‌ها بر گسترش مذهب ظاهری بوده است و از کسانی که در نشر این مذهب تلاش داشت، ابن حزم اندلسی که خیلی تلاش می‌کند این مذهب را به نوعی منتشر بکند. الان کم و بیش در میان بعضی از علمای اهل سنت اتباعی دارد؛ ولی این‌ها زیاد نمی‌توانند در برابر مذاهب اربعه اظهار وجود بکنند.

البته در کنار آن کتابی که عرض کردم ابو زهره از اساتید دانشگاه الازهر هم کتاب 600-700 صفحه‌ای دارد تاریخ المذاهب الإسلامية در میان اهل سنت من بهترین کتاب، کتاب ابو زهره را یافتیم.

در میان شیعه الإمام الصادق والمذاهب الأربعة است. در میان اهل سنت تاریخ المذاهب الإسلامية است. البته ابو زهره با همان نگاه سنی‌گری نوشته و به مذهب شیعه هم به عنوان یک مذهبی که در حاشیه است نگاه می‌کند؛ ولی در مجموع نسبت به خیلی از اهل سنت منصف‌تر است.

مذهب ظاهری عمدتاً بر این محور است که ما نباید تقلید کنیم. تقلید بدعت و حرام است. نه از ابو حنیفه نه از مالک و نه از دیگران چون ظاهری بعد از همه ائمه اربعه بوده است. بعد از ابو حنیفه و مالک و شافعی و احمد بوده است. ایشان می‌گویند ما باید ببینیم قرآن، در رابطه با شریعت چه می‌گوید؟ سنت نبوی چه می‌گوید؟ و اتفاق علما چیست؟ این‌که ما بیاییم از فلان عالم تقلید بکنیم درست نیست.

مذهب سومی که منقرض شده مذهب لیث ابن سعد است ایشان اهل مصر بوده است تلاش زیادی در مصر و حجاز برای نشر مذهب ایشان داشتند.

ذهبی دارد:

«الإمام الحافظ و شیخ الإسلام عالم الدیار المصریه فقیهها و محدثها ومن یفتخر بوجوده الإقليم»

کسی است که دنیا به وجودش افتخار می‌کند تعاریفی که نسبت به مذاهب منقرضه است نسبت به مذاهب موجود نیست، اگر فرصت بشود در رابطه با ابو حنیفه و مذمت‌ها و تعبیر تندی که علمای اهل سنت نسبت به ابو حنیفه دارند و درباره کمتر کسی دارند صحبت خواهیم کرد. ولی من تعجب می‌کنم با این همه هجمه‌ای که بر ابو حنیفه بود و این همه مذمتش کردند که حتی:

« استتیب من الزندقة مرتین »

السنة ، ج 1 ، ص 210 ، اسم المؤلف: عبد الله بن أحمد بن حنبل الشیبانی الوفاة: 290 ، دار النشر: دار ابن القیم

– الدمام – 1406 ، الطبعة: الأولى ، تحقیق: د. محمد سعید سالم القحطانی

دو مرتبه از کفر و زندقه توبه‌اش دادند، ولی با همه این‌ها، امروز در دنیا اکثریت اهل سنت تابع ابو حنیفه هستند؛ یعنی مذهب ابو حنیفه در عصر حاضر یک طرف آن سه مذهب دیگر در طرف دیگر . تابعین ابو حنیفه، بیشتر از سه مذهب شافعی و مالکی و حنبلی هستند.

این مسئله باید بررسی بشود که علت ماندگاری مذهب ابو حنیفه و علت کثرت انتشار و پیروانش چه بوده است. حتی بعضی از بزرگان این‌ها مثلاً شافعی می‌گویند:

«اللیث افقه من مالک الا ان اصحابه لم یقوموا به»

لیث از مالک فقیه‌تر بوده، ولی شاگردان لیث، یک مقداری بی عرضه بودند! نتوانستند سخنان و مبانی استادشان را در میان مردم منتشر کنند.

مذهب بعدی سفیان ثوری است ایشان هم متوفای 161 است معاصر مالک و ابو حنیفه بوده است، به ایشان هم ، شیخ الإسلام، امام الحفاظ، سید العلماء العاملین فی زمانه می‌گویند.

البته این‌ها را ما از نظر اهمیت آوردیم وگرنه از نظر سال وفات باید سفیان ثوری در مذهب دوم باشد، در هر صورت... از او تعبیر به:

«امیر المؤمنین فی الحدیث»

می‌کنند در علم حدیث، از همه این‌ها مقدم بوده ابن عیینه دارد که ائمه مردم بعد از پیغمبر صلی الله علیه وآله سه تا هستند ابن عباس در زمان خودش، شعبی در زمان خودش، سفیان ثوری هم در زمان خودش.

شعبی معاصر امام سجاد سلام الله علیه بوده است. این هم از نظر علمیت از ابو حنیفه مقدم است ولی متأسفانه شاگردانش و... نتوانستند مذهبش را منتشر بکنند و مذهبش به تدریج منقرض شد.

پرسش:

تفاوت این مذاهب چیست؟

پاسخ:

تفاوت‌شان در نحوه استنباط احکام است، مثلاً بعضی از این‌ها هستند که از استحسان و قیاس استفاده می‌کند، مثل مذهب حنفی، بعضی‌ها مذهب استحسان و قیاس را باطل می‌دانند مثل شافعی‌ها و غیره بعضی‌ها اصلاً از عقل نمی‌خواهند استفاده کنند مثل حنابله، بعضی‌ها عقلی محض هستند مثل مالکی‌ها.

این‌ها در نحوه استنباط احکام شرعی با همدیگر تفاوت دارند.

نهایت بحث سر این است که این‌ها می‌خواهند دکانی در برابر دکان اهل بیت علیهم السلام داشته باشند مردم را از آن‌جا منصرف بکنند حالا به هر قیمتی باشد.

پنجمین مذهبی هم که منقرض شد همان ابن جریر طبری، صاحب تفسیر و صاحب تاریخ است.

این‌ها خلاصه‌ای از این چند مذهب منقرض شده بود و بعد این‌که چرا این مذاهب منقرض شد و این چهار مذهب موجود باقی ماندند ان شاء الله در جلسه بعدی خدمت تان هستیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته